

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ مارچ ۲۰۱۹

"غنی احمدزی" و بوزینه های عاشق قدرت!

پنجشنبه- ۰۹ حوت ۱۳۹۷ کابل: هرچند من از جمع آنهایی هستم که فکر می کنند "غنی احمدزی" و "دومین مغز متفکر جهان" بودن و حتا شدن بسیار از هم فاصله دارند و از همین رو در بسیاری از نوشته ها از وی به صفت "مغز متعفن" نیز یاد کرده ام، مگر مشاهده برخی از رویداد های روزمره در مناسبات روابط قدرت در افغانستان، نشان می دهد که این مغز متعفن حداقل می داند چه می خواهد و چگونه از افراد دیگر جهت برآورده ساختن اهدافش باید کار بگیرد؛ در یادداشت امروز خواهم کوشید به این نکته بپردازم که این موفقیت ها آیا برخاسته و مبتنی بر توانایی های مغز متعفن است و یا بی ایمانی و سست ارادگی مخالفانش و یا هم هر دو. نخست به این نکات توجه تان را جلب می نمایم:

۱- در جریان ۵ سال گذشته بار ها دیده شده که "غنی احمدزی" به مانند "سگ پاچه گیر" از پاچه این و یا آن فرد از قشر خودشان یعنی قشر سرسپرده استعمار و ارتجاع گرفته نه برای خود عزت و اعتباری گذاشته است و نه هم برای طرف مقابل، مگر با جود تمام این مخاصمت ها، روز دیگر با همان فرد نرد عشق باخته، به گفته مردم کابل بی ادبی معاف "از یک ک.. گوز زده اند". بارزترین نمونه این برخورد ها مناسباتش با معاون اولش می باشد.

۲- در همین پنج سال باز هم شاهد بوده ایم که "غنی احمدزی" موفق شده است با مخالفان دیروزی خود حتا با آنهایی که فکر می شد دیگر امکان آشتی بین آنها اصلاً وجود ندارد، مجدداً اشتی نموده برادروار در غارت خلق سهیم شده اند. نمونه بارز این نوع مناسبات را می توان در مناسبات "غنی احمدزی" با "امراالله صالح" و "محمد عمر داوودزی" به وضاحت مشاهده نمود. چه خلاف "محمد عمر داوودزی" که از همان آغاز تشکیل حکومت خیانت ملی و کنار ماندنش از مناصب قدرت، در آغوش "سیاف" پناه برده زیر نام "شورای حراست و ثبات" موضع اپوزیسیون رسمی حکومت خیانت ملی را به عهده گرفت، "امراالله صالح" بعد از یک مدت کوتاه همکاری با حکومت خیانت ملی، از آن جدا شده بر مخالفتش با آنها بیشتر از پیش افزود.

۳- وقتی انسان می بیند که همین دو نفر با یک حرکت "غنی احمدزی" با سر به آستان "غنی احمدزی" خود را نزدیک ساخته برده وار در پای این بت سرگینی سجده می کنند، برای هر فردی سؤال پیش می آید بدانند که دلیل این کله معلق ها و چرخ فلک سواری های سیاسی چیست؟ آیا "غنی احمدزی" معجزه می کند و برخوردار از دم مسیحائی است و یا این که طرف های مقابلش انسان های خود فروش و طماعی اند که تمام داد و فریاد آنها صرف برای رسیدن به مقدار

ناچیزی از جیفه دنیا است، نه آرمانی دارند و نه ایمانی تا با ایمان کامل جهت تحقق آرمان شان برزند؟ و یا این که گذشته از کندی آسیا و نم داشتن گندم، تمام اینها مهره های بی جانی هستند در دستان توانمند خدایان سرمایه و اشغالگران و این آنها اند که می گویند که چه بکنند، چی کسی معلق بزند، چه کسی بر چرخ فلک سوار شود و چه کسی دامنش را بر پشتش پینگ زده، اتن پشپو مرینه برقصد.

۴- تاجائی که جریانات ۵ سال گذشته نشان داده است، خودم را عقیده برآنست که در تمام این "شادی بازی ها و پکر بازی ها" این اشغالگران اند که بعضاً بر روی حماقت و نادانی مغز متعفن و زمانی هم بر پستی، دنانت، پول پرستی و عشق مفرط به مقام و منزلت آن دیگری تکیه نموده آنها را به این رقصهای مضحک و ادار می سازد. هموطنان گرامی!

شعبده بازیها، دیده درائی ها، خوشرقصی ها و به چهار طرف شیر غلت زندهای "امراالله صالح" و "عمر داودزی" در مقطع کنونی همه همان بازی است که اشغالگران از آن بالا این گدی های کوکی خودش را بدان واداشته و تلاش می ورزد تا مردم را با آن مصروف بسازد. بر من و توست هرگاه نمی خواهیم این وضعیت بیش از این ادامه یابد، تا به میدان آمده توطئه و برخورد های توطئه آمیز "باندارگ" و اشغالگران و ارتجاع هار را افشاء نماییم.

سرکها ما را می طلبد!!